

رنگ‌های نمادین در اشعار صلاح عبدالصبور

محمد مهدی سمتی^۱، نرجس طهماسبی نگهداری^۲

چکیده

تنوع رنگ‌ها در عصر حاضر و آگاهی شاعران معاصر از این تنوع، ناشی از نگرش و بینش عمیق و هوشمندانه آنها به عناصر هستی است. اگرچه به کارگیری رنگ‌ها در ادبیات عربی قدیم، وجود داشته است، بیشتر انعکاسی مستقیم از رنگ‌ها در زندگی واقعی بود. در ادبیات عربی معاصر، رنگ‌ها نه تنها برای زیباسازی شعر، بلکه به عنوان ابزاری در راستای نمادپردازی استفاده می‌شوند.

عواملی مثل سیاست محوری، اجتماع‌گرایی و مسئله شهر، اصلی‌ترین عوامل بروز زمینه‌های نمادین رنگ، نزد شاعران معاصر به شمار می‌رود، همچنین ایدئولوژی خاص و گاه دیدگاه مکتبی شاعران مذکور در کنار حوادث نامیمون شخصی، زمینه بروز برخی نمادهای اختصاصی در اشعارشان را فراهم می‌سازد.

صلاح عبدالصبور از جمله شاعران معاصر عربی است که در سطح گسترده از رنگ‌های نمادین استفاده کرده است. این مقاله، به بررسی رنگ‌ها در دیوان صلاح عبدالصبور و دلالت‌های نمادین آنها می‌پردازد. روش کار، توصیفی-تحلیلی است. نتایج

Semati2000@yahoo.com

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه یزد

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه یزد

تاریخ دریافت: ۸۹/۴/۲۲ تاریخ پذیرش: ۹۰/۳/۲۵

این پژوهش، نشان می‌دهد که شاعر از رنگ‌های سیاه، سرخ، سبز، فیروزه، سفید، گندمگون و خاکستری استفاده کرده است. رنگ سیاه، رنگ غالب در رنگ‌های نمادین شاعر است که به مدلول‌هایی مثل عدم سادگی و بی‌آلایشی مردم شهر، وجود دشمنان داخلی و خارجی و حمله‌ی رژیم صهیونیستی اشاره دارد.

کلید واژگان: شعر معاصر عربی، رنگ‌های نمادین، صلاح عبد الصبور.

مقدمه

بررسی جایگاه رنگ، در سازمان‌های ذهنی و زبانی و معانی آن، یکی از مباحث مهم در شناخت فرهنگ زبان و ادبیات است. بنابر تحقیقات علمی، رنگ از ویژگی‌های برجسته‌ای است که انواع مختلف موجودات زنده در زندگی طبیعی و غریزی از آن برای استتار و انتقال پیام‌های غریزی همچون؛ فریب، حقیقت جویی، هشدار، دفاع، خودنمایی و غیره بهره می‌گیرند، اما بررسی پدیده‌ی رنگ به عنوان یک واقعیت طبیعی با بررسی رنگ به عنوان یک موضوع زیبا شناختی، زبان شناختی و روان شناختی داشتن پیوندها، ویژگی‌های متمایز کننده دارند؛ یعنی به طور مثال، الزاماً ابعاد روان شناختی رنگ با جنبه‌های زیبا شناختی تطبیق ندارد.

باری، رنگ به عنوان یک پدیده‌ی زبان شناختی در نظام نامگذاری، یک متغیر نسبی است و جوامع زبانی و فرهنگی به طور متفاوتی از آن بهره می‌جویند. بدین ترتیب، میزان و نوع به کارگیری برش رنگ نیز در جوامع مختلف، یکسان نیست، زبان‌هایی هستند که در آن، تنها از ۳ رنگ استفاده می‌کنند و در مقابل، جوامعی نیز هستند که از رنگ‌های متنوع در مصادیق و معانی مختلف، بهره می‌جویند.

در زبان عربی، وجود رنگ هایی از قبیل سیاه، سرخ، سفید، سبز، خاکستری و .. نشان می دهد که رنگ در جامعه عربی به طور کلی و جزئی به عنوان ابزاری برای بیان و تبیین مورد توجه روز افزون بوده است.

بررسی جایگاه و معنی رنگ در هنر شعر که یک پدیده زبانی است، می تواند جایگاه ارتباطی حقایق بزرگی را از زبان، ادبیات و جامعه آشکار کند. ملارمه، شاعر نامدار سمبولیک فرانسه، در یک فرانگری، رنگ و عطر و صداهاى طبیعى را با هم تطبیق می داد (سید حسینی، ۱۳۶۶، ص ۳۶).

به کارگیری رنگها در اشعار شاعران دوره جاهلی، محدود و ساده و سطحی بوده و تنوع چندانی نداشته است و سفید، سیاه، سبز، قرمز، زرد و آبی رنگهای اصلی به کار رفته در اشعار جاهلی بوده اند. ضمن اینکه، حضور رنگ در اشعار شاعران این دوره، تعبیری از زندگی واقعی اطراف است. در دوره های بعد به علت گرایش به شهرنشینی، توجه به تنوع رنگها و به کارگیری آنها در شعر بیشتر شد؛ ولی استفاده از رنگها به صورت گسترده و متنوع و نمادین، مخصوص شعر معاصر است.

در اشعار شاعران معاصر، از یک سو شاهد حضور فعال و مؤثر رنگها و از سوی دیگر، شاهد تنوع زیاد آنها هستیم. گسترش نقاشی و هنر از عوامل تأثیرگذار در توجه شاعران به رنگ در شعر معاصر است (العیض، ۱۹۹۶، ۷۸).

مسئله ابهام و غموض در شعر معاصر نیز از عوامل مهم توجه شاعران به رنگ در شعر است. از آنجایی که رنگها در طول تاریخ، برای اشخاص گوناگون، معانی مختلفی داشته اند، لذا می توانند یکی از مهم ترین عناصر، برای نماد پردازیهای انسان باشند؛ چرا که رنگ و سمبل، همانگونه که گفته شد، مکمل تجربه های انسان و بازتابی از تفکر مردم است؛ بنابراین به کارگیری رنگها در معانی نمادین و سمبلیک از ویژگی های شعر معاصر است (سیفی، ۱۳۸۸: ۷۵). از

سوی دیگر، شرایط سیاسی - اجتماعی خاص کشورهای عربی، توجه به رنگ‌ها و به ویژه رنگ‌های خاصی را اقتضا می‌کرد. به عنوان مثال، توجه زیاد به رنگ قرمز به خاطر طبیعتی است که شاعر عرب در آن می‌زیست، حیاتی که در جنگ و نزاع خونین دائمی با یهود است (الزواهره، ۲۰۰۸، ۴۳).

۱- مختصری از شرح حال زندگی صلاح عبد الصبور

صلاح عبد الصبور یکی از شاعران معاصر بارز شهر نو است که از رنگ در فضای نمادین اشعار خود، بهره جسته است. این پژوهش، سعی دارد با روش توصیفی - تحلیلی و با تحلیل درون متنی به استخراج رنگ‌های به کار رفته در شعر صلاح عبد الصبور بپردازد.

عبد الصبور در سال ۱۹۳۱ م در محله زقازیق در مصر، چشم به جهان گشود و چون تنها فرزند پسر در خانواده بود، بسیار مورد توجه اعضای خانواده قرار گرفت؛ به گونه‌ای که دوستش، توفیق بیضون، می‌گوید: «خانه، مدرسه اول و مدرسه، خان، دوم او بود و عبد الصبور میان این دو خانه، خود را شناخت و به کمال رسید» (بیضون، ۱۹۹۳، ص ۱۳) عبد الصبور تا سال ۱۹۴۶ در مدارس ابتدایی و دبیرستان زقاریق، درس خواند و برای ادامه تحصیل به دانشکده ادبیات دانشگاه قاهره رفت و تا سال ۱۹۵۱ در آن جا به تحصیل پرداخت (یسوعی، ۱۹۹۶، ص ۸۷۶).

مدتی به نویسندگی در مجلاتی چون روزالیوسف، «صبح الخیر» و روزنامه «الاهرام» پرداخت. زمانی به سیاست روی آورد و سفیر و رایزن فرهنگی مصر در هند شد. از آخرین سمت‌های وی، ریاست نمایشگاه بین‌المللی کتاب قاهره بود و پس از امتناع از شرکت دادن اسرائیل در نمایشگاه به دستور مستقیم سادات - رئیس‌جمهور وقت - ناگزیر، وی تن به آن داد و سخت مورد حمله

روشنفکران مصر قرار گرفت و بر اثر همین فشارهای روحی و سرزنش‌های تند در سال ۱۹۸۱ در سن پنجاه سالگی بر اثر سکته قلبی در گذشت (اسوار، ۱۳۸۱، ص ۵۴۷).

شعرهای عبد الصبور به درام منظوم مشهور است؛ اما به کارگیری نماد هم در شعر او کم نیست. کودکی سرشار از ناز و نعمت، ترک خانواده و زادگاه دوست داشتنی با آن مردمان صاف و یکرنگ، سفر به قاهره و نفرت از رژیم اسرائیل از عوامل مؤثر در به کارگیری نماد در شعر اوست. می‌توان رنگ‌های نمادین مثل سیاه، سبز، سرخ، سفید که بخشی از نمادهای اوست در شعر او یافت.

۲- نقش رنگ‌ها در بیان نمادین

از مباحث مهم در بررسی رنگ، معنی آن است. در زبان، رنگ‌ها معمولاً علاوه بر معنی معمولی، معانی مجازی گوناگونی دارند؛ اما در شعر، این معانی، فراتر از کاربرد معمولی است. گاه، یک رنگ، معنی خوب و مثبت و گاه، معنی منفی و بد دارد؛ اما از آن جا که در معنی یابی، عناصر مهم چند گانه‌ای همچون اشیا و موضوعات یک رنگ، تجربه و تداعی روان شناختی، نگاه تاریخی و حتی جنبه‌های جغرافیایی و زیست محیطی دخیل هستند.

رنگ مانند عناصر و پدیده‌های دیگر، به تناسب اهمیت فرهنگی - تاریخی و جنبه‌های جامعه شناختی و زیست محیطی؛ معنای مجازی و نمادین دارد. منظور از بیان نمادین؛ ساختار دلالت گونه‌ای است که در آن معنای آغازین و صریح، همراه خود، معناهای دیگری را پیش می‌آورد که این معناها غیر مستقیم هستند و اهمیتی درجه دوم دارند و صرفاً از راه نخستین شناخته می‌شوند (احمدی، ۱۳۷۷، ص ۶۲۱).

نوع و میزان به کارگیری این معانی در جوامع زبانی و ادبی مختلف، تفاوت بلکه گاه تقابل نیز دارد. بیان نمادین، گاه جنبه‌ی روان شناختی دارد و ممکن است نتیجه‌ی سرکوبی غرایز و نیازها (آل احمد، ۱۳۷۷، ص ۱۱۸) یا عوامل فشار فرهنگیو سیاسی و باشد.

بیان نمادین، به خصوص از آن جهت که اریک فروم دیده است، بسیار جالب است.

یعنی این که آدمی سمبولهایی از نوع حسی مثلاً بینایی، شنوایی، بویایی و لمسی را برای نمایش چیزهای دیگر، یعنی حالات و تجربیات عاطفی، درون و افکار به کار می‌گیرد، (فروم، ۱۳۶۶، ص ۲۴) بیان نمادین در عین ایجاد ابهام و چند معنایی با منطق خاص خود، معنی صریح را نیز منتقل می‌سازد (شوالیه، ۱۳۷۸، ص ۲۸) شعر معاصر عرب، تحت تأثیر سبک‌های ادبی، به ویژه سمبولیسم و نیز شرایط خاص جامعه شناختی، به ویژه تحت فشارهای سیاسی و فرهنگی به نمادگرایی روی آورد.

۳- رنگ‌ها و معانی نمادین آنها در اشعار صلاح عبد الصبور

۴-۱- بسامد کاربرد رنگ‌های نمادین در اشعار صلاح عبد الصبور

در این بخش، رنگ‌ها و بسامد کاربرد آنها در اشعار صلاح عبد الصبور بررسی می‌شود. همانطور که جدول زیر، نشان می‌دهد بیشترین بسامد کاربرد رنگ‌ها، مربوط به رنگ سیاه است. در مجموع، این رنگ در اشعار شاعر به کار رفته است. بعد از رنگ سیاه رنگ.

جدول ۱ بسامد کاربرد رنگ‌ها در اشعار صلاح عبد الصبور

رنگها	بسامد کاربرد
سیاه	۱۰۰
سفید	۷۰

۴-۲- مفاهیم نمادین رنگ‌ها، در اشعار صلاح عبدالصبور

۴-۱- رنگ سیاه

سیاه از رنگ‌های مهمی است که در فرهنگ‌های مختلف، حضور زبانی و معنایی فعال دارد. در زبان عربی، شاعران بسیاری از رنگ سیاه در اشعارشان مدد می‌جویند، تا تجارب دردناک و غمگین خود را به وسیله آن تعبیر کنند.

معنی نمادین سیاه، معمولاً با تجربه‌های تاریخی، جغرافیایی، روان شناختی و مردم شناختی و نژادی پیوند دارد. از نظر شناختی، سیاهی، نفی همه رنگ‌ها و نمایانگر چشم پوشی، تسلیم نهایی و یا انحراف و به تعبیری، نفی یک انتخاب بایسته و نومیدی محض و رنگ انهدام، نیستی و پوچی است و به معنای نفی در مقابل «آری» سفید است (لوچر، ۱۳۶۹، ۹۷).

سیاه همچنین، رنگی رمز آلود، تداعی کننده نیروهای مافوق طبیعی یا جادویی است و عموماً باجنایت و رسوایی پیوند خورده، رنگی برای پوشیدگی، رازداری و اختفا، ترور و جنایت و دزدی است؛ به همین خاطر، رنگ پرچم دزدان دریایی به رنگ سیاه است (دی و تیلو، ۱۳۸۷، ۱۶).

همچنین آشفتگی، ویرانی و تباهی، رنجش، خفت، سختی، سنگدلی و غیر عقلانی بودن هم از ویژگی‌های این رنگ ذکر شده است» (کوپر، ۱۳۷۶، ۱۷۲).
رنگ سیاه در ترکیبات و کنایات ادبی نمادی از «بددلی، دل سیاه داشتن، نحس و سیر شدن از چیزی» (پور حسینی، ۱۳۸۴، ۸۳) است.

از نظر روانشناسی، رنگ سیاه، رنگی تیره است که خود را نفی می‌کند و بیانگر فکر پوچی و نابودی و افزایش دهنده روحیه افسردگی است. کما اینکه احساس خستگی را در انسان افزایش داده، انرژی روانی و حتی نیروی جسمی انسان را تقلیل می‌دهد (پورحسینی، ۱۳۸۲، ۸۳).

در زیبایی شناسی اقوام عرب و قرآن کریم، رنگ سیاه به معنی ظلم و ستم و گمراهی و گناه و کینه و خشم و دروغ‌گویی به کار رفته است. در نزد عرب‌ها، دیوان، دشمنان و متعلقات آن‌ها و حتی جانوران و مارهای خطرناک، معمولاً سیاه یا در جامه سیاه، تصور شده‌اند. در اشعار صلاح عبدالصبور نیز معنی منفی شدت یافته، رنگ نومیدی و بدبینی سیاسی - اجتماعی است، و شاعر برای نشان دادن مصائب و مشکلات از رنگ سیاه، استفاده کرده است.

۱- رنگ سیاه، بیانگر ویرانی و خرابی‌های ناشی از حمله تاتار در بغداد است که قوم مغول، مساجد و کتابخانه‌ها را سوزاندند و وی این غارت‌ها و ویرانگری‌ها را به عنوان نقاب‌ی برای خرابی‌های دشمنان امروزی در کشور خود و ویرانگری‌های صهیونیست‌ها در فلسطین اشغالی به کار گرفته است.

و رمو مدینتنا العریقه بالدمار

رجعت کتائنا ممزقة و قد حمی النهار

الرایه السودا - جرحی، قافله موات (عبدالصبور، ۱۹۶۸، ج ۱/ ص ۱۴).

۲- رنگ سیاه در قصیده «شوق زهران» نشان‌دهنده ظلم و ستمی است که کینه‌ها را در قلب‌ها شعله‌ور می‌سازد. رنگ سیاهی که ریشه‌های درخت را رنگین کرده است، اشاره به ظلم و ستم اجتماعی و شاخه‌ای قرمز درخت، بیانگر حقد و کینه‌ای است که در اثر ظلم و ستم اجتماعی به وجود آمده است (رحمانی، ۲۰۰۷، ص ۲۱۱).

نمت فی قلب زهران شجیرده

ساقها سوداء من طین الحیة

فرعها احمر کالنار الی تأکل حقل (عبدالصبور، ۱۹۶۸، ج ۱، ص ۲۰).

۴- رنگ سیاه، همان حقد و کینه‌ای است که در اندرون نفس انسان، زبانه می‌کشد و حایلی بین عاشق و معشوق می‌گردد بدین سان وصال را ناممکن می‌سازد (الحاوی، ۱۹۸۶، ص ۱۵۱).

کم من شفة حمراء الظل
سوداء القلب علي غل
او عين تبحث في روجي سري
عن كنز غاب في صدري
تبعثره اخباراً
او تحرقه ناراً تندفا

في شعلتها، ایام بارده، حوفا (صلاح عبدالصبور، ۱۹۶۸، ج ۱، ص ۱۲۴).

۵- گاهی این رنگ، رمز بدبینی و تنفر وی نسبت به روز است چرا که صلاح عبدالصبور روز را فاش کننده تمام بدی‌ها و مفاسد می‌داند و این مفاسد، دل شاعر را به درد می‌آورد.

عینان سوداوان
نضاختان بالجمال المر و الاخران
مرت علیها تصاریف الزمان
فشالتا من کل یوم اسود ظلا (همان صص ۲۰۰ و ۲۰۱).

۶- در جای دیگر می‌بینیم که رنگ سیاه، نماد ویرانی و نابودی موجود در سطح جامعه است که عامل انسان‌های حیوان صفت هستند.

شیخی بسام‌الدین تقول:
«یا بشر - اصبر
دنیا نا اجمل ممتذکر
ها انت تری الدنيا من قمه وجدک
لا تبصر الا انقاض اسوداء
و نزلنا نحو السوق انا و شیخ

كان الانسان الافعي يجهد آن يلتف علي الانسان الكركي
فمشي من بينهما الانسان الثعلب
عجباً....

زور الانسان الكركي في فك الانسان الثعلب
نزل السوق الانسان الكلب
كي يقفأ عين الانسان الثعلب

و يدوس دماغ الانسان الافعي (عبدالصبور، ۱۹۶۸، ج ۱، صص ۲۶۷ و ۲۶۸).

۶- با نگاهی به اشعار صلاح عبدالصبور خواهیم دید که رنگ سیاه، دوران نکبت شاعر را به تصویر می‌کشد که وی سعی دارد از آن وضعیت رها گردد و به زندگی سراسر از نور و آزادی قدم نهد و یا این که رمز دوران خفقان سیاسی و اجتماعی است که همه اقشار جامعه، خواهان رهایی از این وضعیت هستند و آرزوی جامعه آزاد و سراسر از نور را در دل می‌پروراند.

وانظفتي مساييح اسماء

كي لاتري سوانح الالم

ثيابي السوداء (عبدالصبور، ۱۹۶۸، ج ۱، ص ۲۳۶).

۷- هم چنین رنگ سیاه، اشاره به سقوط انسان در راه رسیدن به شناخت حقیقت و ذات خویشتن دارد.

احلم في نومي حلماً يتكرر كل مساء

اتدلي فيه معقوداً من وسطي في حبل

مدواً من وجه ركام الانبية السوداء (همان، ص ۲۶۸).

۸- گاهی رنگ سیاه، نابودی و مرگ تدریجی اقشار پایین دست جامعه را نمایان می‌کند؛ آنجا که عبدالصبور با دیدن ژولیده‌پوشی این ابیات را می‌سراید

(عبدالصبور، ۱۹۶۸، ج ۳، صص ۱۵۱ و ۱۵۲).

و يظل شعل، والحياة تموت في عينيه، انسان يموت

و علي محياه القسم سماحه الحزن الصموت
و البسمه البيضاء تهمر فوق خديه محبه
لك، لي، لمن داسوه في درب الزحام
القي السلام

وصفا محياه، و اغفت بين حفنيه عمامه

بيضاء شاحبه يطل بعمقها نجماً سوداء (صلاح عبدالصبور، ۱۹۶۸، ج ۱، ص ۳۳).

۸- و رنگ سیاه، در جای دیگر، رمز شیاطین، افعی ها و نیروهایی است که موجب

رعب و وحشت در خرابه ها می شود.

اطلال- اطلال

و الجن فيهما سود

لهم فحيح سود

يشون في اسحار

وثباً علي صدري (همان، ص ۵۱)

۱۰- غم و اندوه

لله ما احلي عيون العاشقين حين يسمون

و يقسمون

بجرمه الشجون

و بلبالي المثقلات و انتفاضه الحنين

و بالسود في العيون (همان، ص ۱۳).

۱۱- سوگ و عزا

اليل يا صديقتي ينفضي بلاضمير

و يطلق الظنون في فراشي الصغير

و يتقل الفواد بالسود

و رحله الضياع في البحر الحداد (همان، ص ۷).

۴-۲- رنگ سرخ

رنگ سرخ از نظر روان‌شناختی، نمایانگر نیروی جسمانی و به معنای تمایل و رغبت است و تمام اشکال آرزو و اشتیاق را در برمی‌گیرد. رنگ سرخ، اصرار در به دست آوردن نتایج، رسیدن به کامیابی و موفقیت و میل حریصانه به تمام چیزهایی است که نشانه‌ای از کمال را در خود دارد (لوچر ۱۳۶۹، ص ۸۳). روان‌شناسان معتقدند رنگ قرمز، دارای قدرت و کشش بوده، مثبت و متجاوز و مهیج و تحریک‌کننده است؛ به همین خاطر، روان‌شناسان توصیه می‌کنند که افراد عصبی نباید در معرض این رنگ قرار گیرند زیرا باعث تشدید ناراحتی آن‌ها می‌شود؛ همچنین، این رنگ به خاطر خاصیت تحریک‌کنندگی، فشارخون را بالا می‌برد (پاک‌نژاد، ۱۳۴۸-۱۸۷-۱۸۵ و علی اکبر زاده، ۱۳۷۵، ۶۶).

بارزترین و مهم‌ترین مفهوم رنگ قرمز، خون، شهادت، شهامت، مبارزه و مرگ مقدس و به‌دنبال پیروی بودن است. «همچنین، رمز عواطف جوشان و عشق خروشان و نیرو و نشاط است، گاهی هم بر خشم و غضب و سنگدلی و خطر دلالت می‌کند» (طالو، بی تا، ۱۷۲)

قرمز همچنین، سمبل باروری حیات و زندگی هم دانسته شده به همین دلیل این رنگ «عامل مؤثری در سازندگی و تشدید رویش گیاهان بوده است» (ایتن، ۱۳۸۴، ۲۱۴)

رنگ سرخ به رنگ خون و شراب و غالباً نماد آتش است (بایار، ۱۳۷۶، ص ۱۳۵) و از نظر روان‌شناختی، نماد احساس و شور است (یونک، ۱۳۷۷، ص ۴۳۸) و هر ملتی، برحسب تجربه خاص خود، معنی نمادین خاصی به این رنگ، داده است. در نزد اعراب جاهلی، رنگ سرخ (قرمز) مورد تنفر بوده است؛ از آن رو که یادآور سال‌های خشک و بی‌بازان و خاک بی‌حاصل می‌شد. آنان این سال‌ها را «السنة الحمراء» می‌نامیدند. مرگ سرخ (میتة الحمراء) بدترین مرگ و باد سرخ (ریح

حمراء) بدترین باد بوده است؛ اما هنگامی که زبان عرب از محیط صحرا به مناطق دیگر، انتقال یافت، تصورات زبان نیز از رنگ‌ها دگرگون شد و رنگ سرخ که بدترین رنگ‌ها بود، مظهر زیبایی و جمال گردید چرا که یادآور رنگ گونه‌ها و گل سرخ و بهترین نمودارها و نیز سرخی شراب گردید (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰، صص ۲۷۰ و ۲۷۱).

صلاح عبدالصبور در «قصیده شفق زهران» خود، رنگ سرخ را با به‌کارگیری فعل ماضی (شب) ترسیم کرده است، از آنجا که این فعل، معانی صوتی و تصویری دارد، پس هنگام تلفظ (شین) این احساس به وجود می‌آید که آتش سرخ در هیزم خشک جان گرفته است و این آتش، شعله‌ور است تا این که واژه به حرف «ب» می‌رسد، آنگاه که آتش شعله‌ور منفجر می‌گردد پس شاعر از رمزگرایی رنگ سرخ به معنای آتش است، کمک گزفه است و همچنین به معنی انقلاب و شورش و هیجان نیز است.

شب زهران قویا

و نقیا

یطا الارض حفیفا

و الیفا

کان ضحاکاً و لوعاً بالعناء

و نمت فی قلب زهران زهیره

ساقها خضراء من ماء الحیاه

تاجها احمر کالنار الی توضع قلبه (عبد الصبور، ۱۹۶۸، ج ۱، ص ۱۹).

۲- رنگ سرخ، نشان دهنده حقد و کینه و خشمی است که در نتیجه ظلم و ستم

به وجود آمده است:

نمت فی قلب زهران شجیره

ساقها سوداء من طین الحیاه

فرعها احمر كالنار التي كل الحقل (عبدالصبور، ۱۹۶۸، ج ۱، ص ۲۰)

۳- بیاگر خشم نفس انسان است که مانع از وصل عاشق به معشوق می‌شود.

کم من شفه حمراء الظل

سوداء القلب علي غل

او عين تبحت في روجي سري

عن كتر غاب في صدري

لتبعثره اخباراً

او تحرفه ناراً تندفا

في شعلتها، ايام بارده، حوفا (عبدالصبور، ۱۹۶۸، ج ۱، ص ۲۴).

۴-۳- رنگ سبز

رنگ سبز از نظر فیزیولوژیکی، نمایانگر کشش و انعطاف‌پذیری در اضطراب و تنش و از نظر روان‌شناختی، نمایانگر هدف و اراده و عمل است؛ مثل اصرار، استقامت و سرنوشتی در رسیدن به هدف کسی که رنگ سبز را انتخاب می‌کند در آرزوی تأثیر گذاری بر دیگران و نیازمند شناخته شدن و تثبیت و دارای عقاید و راه و رسم و خود است (لوچر، ۱۳۶۹، ص ۸۰).

رنگ سبز در مذهب «سمبل ایمان و عقیده دین و توکل و فناپذیری ابدیت و عمق است و بیشتر در اعیاد، مورد استفاده قرار می‌گیرد و همچنین، سمبل رستاخیز و محشر است» (علی اکبرزاده، ۱۳۷۵، ۷۲)

این رنگ به خاطر رابطه تنگاتنگی که با طبیعت دارد، نوعی پاکی و صفا را القا می‌کند که با باروری و رویش، همراه است و این احساس درونی، سبب می‌شود که در بسیاری از کشورها و مذاهب، رنگ سبز، رنگ مقدس آن‌ها بشمار می‌رود (پور حسینی، ۱۳۸۴، ۴۳).

رنگ سبز، برخلاف قرمز یک رنگ نشاطبخش و آرامشبخش است (صبوراردوبادی، ۱۳۶۷، جلد ۲، ۴۷-۴۸).

طبق نظر شاعر فرانسوی (آرثر رامبو) هر رنگی، احساس خاصی را به تصویر می‌کشد و رنگ سبز، نمایانگر آزادی و رهایی نامحدود است (غازی التدمری و یاسین الغری، بی تا، ۴۳).

و رنگ سبز در شعر معاصر از معانی نمادین و مجازی گسترده‌ای برخوردار است و معادل زندگی، شادابی، خوبی و خوشبختی و روشنی و تجدید در زندگی است.

اما معنی رنگ سبز در اشعار صلاح عبدالصبور:

۱- رنگ سبز، نماد عشق به معنی تأمل و اندیشه در ارزش اشیا و ارزش انسان و هم چنین به مفهوم خوشبختی و آزادی است. شاعر در این اشعار، شیفته دو چشم سبز محبوب خویش می‌شود و ادعا دارد که عشق، محدود به مکان و زمان خاصی نیست و هر آن کس در دام آن افتاد، لاجرم باید به سختی‌های راه عشق، تن دردهد تا این که به عشقی خالص و مبرا از هرگونه تردید و سیاهی نائل گردد (الحاوی، ۱۹۹۸، ص ۱۴۹-۱۵۰).

۴-۴- فیروزه

یا حضراء العینین

یا حی. .. !

لم لاترضین

و کان علینا قد خطت اقدار

و کان الغریبه میقات لاید نودیه

أن یضرب اعواماً فی التیه

أن نعبد اصناماً مکذوبه

نحذف بالقلین، و قد خاض للحت
فصحراء الشوق.. .. رهيبه

.....

في اليل دعوت بقلب مكروب
فليشلمني ظل العينين الخضراوين
ولتخضر الكلمات رويحي
ولترقد ليلايي في بحر الأسعد الخضر
ولتورق خضراء الاصباح

خضراء بلون الفيروزه (صلاح عبدالصبور، ۱۹۶۸، ج ۱، صص ۱۲۳ و ۱۲۶ و ۱۲۷).

۲- رنگ سبز، نماد خوشحالی و شادی و آرامش و رحمت و راحتی است.

كأن طفلاً عندما فرعن البيت و ولي
من سنين عشره، ذات مساء، كان طفلاً
و افتقدناه، و ناديناها في احلامنا

و انتظرنا خطوه المخصره في كل الربيع (صلاح عبدالصبور، ۱۹۶۸، ج ۱، ص ۱۳۴).

۳- بیانگر تجدید حیات و رشد و زایش است.

اهل بلادي يصنعون الحب

كلامهم انغام

ولغوهم بسام

و حين يسغبون يطمعون من سفاء القل

و حين يطماون يشربون نمله من الحب

و يلفظون حين يلتقون بالسلام

- عليم السلام

- عليم السلام

لان من ذري بلادنا ترقق السلام

و فاض من بطاها محبه خضراء مثل نبتة الحقول (همان، ص ۹۶).

در مثالی دیگر نیز به همین معنی فوق، اشاره می‌کند.

في ليله صيف
وقع احد اشعراء البسطاء
انغاماً بساذجه خضراء
لينا جي قلب الالف (همان، ص ۲۲۴).

۴-۵- رنگ سفید

بارزترین معانی نمادین این رنگ، پاکی، پاکدامنی، عصمت و بی‌گناهی، خلوص، شادی و پیروزی است. سفید، سمبل صلح و پایان جنگ است؛ لذا پرچم صلح به این رنگ است (کوپر، ۱۳۷۹، ۱۷۲).

در برخی از کشورها از جمله روم باستان، یونان و مشرق‌زمین به‌ویژه در چین و هند، سفید، رنگ عزا و ماتم است. لذا در سوگواری‌ها رنگ سفید می‌پوشند. مصریان رنگ سفید را نشانه شادی و هندوها نشانه شعور ناب، ستوده، حرکت به بالا و نور می‌دانند (کوپر، ۱۳۷۹، ۱۷۱-۱۷۲).

رنگ سفید از نظر روانشناسی، رنگی است مفرح، دلگشا و روحانی که باعث آرامش روحی انسان می‌شود «چرا که شوک‌های احساسی و ناامیدی را تسکین می‌دهد و کمک می‌کند که احساسات و فاکار و روح پاک شود» (پورحسینی، ۱۳۸۴، ۱۸).

رنگ سفید، رنگ صفا و پاکی و هدایت و عشق است. همان‌طور که بعضی آن را رنگ خیر و حق و عدالت و جلا و روشنی نیز دانسته‌اند و برای برانگیختن احساسات پاک انسانی به کار می‌رود و رنگ سفید ۱۱ بار در قرآن کریم به کار رفته است. در بعضی از آیات، صفا و صمیمیت روز قیامت، وصف شده است و گفته شده چهره صالحین در روز قیامت، سفید خواهد بود (قرانیا، ۱۹۹۸، ص ۱۱) و بنا به نظر شاعر فرانسوی (آرتور رامبو) هر رنگی از احساسی مشخص و معین

تعبیر می‌کند و رنگ سفید، بیانگر یأس و ناامیدی و خستگی و درماندگی است. (غازی التدمری و یاسین الغزی، بی تا، ص ۴۳).

رنگ سفید در اشعار صلاح عبدالصبور به معانی و مفهوم‌های ذیل است:
۱- رنگ سفید در اشعار صلاح عبدالصبور به معنی صفا و صمیمیت و شادی و پاک‌دامنی و نیز به معنی آرامش کامل و خالص است:

والبسمه البیضاء تممر فوق خدیبه محبه

لک، لی، لمن داسوه فی درت الزحام القی السلام (عبدالصبور، ۱۹۶۸، ج ۱، ص ۳۳).

سنعیش رغم الحزن، نقهره، وتصنع فی الصباح

افراحنا البیضاء، افراح الدین لهم صباح (همان، ص ۳۹).

.....

اهل بلادی

.....

و فاض من بطاحها محبه الخضراء مثل نبتة الحقول

ورقه بیضاء کالازهار فی الحمیل

ورحمه زهراء

کقلب امهاتنا (همان، صص ۹۶ و ۹۷).

۲- شاعر حس صوفیانه را در شعر و قصیده خود به کار گرفته است تا از خلال آن از اتحاد و یگانگی با ذات خود، تعبیر کند؛ پس در اشعار زیر، جسم سفید (مریده) رمزی برای ذات و حقیقتی است که مرید به آن چشم دوخته است و هر چه از ذات و نفس خود دور می‌شود و فاصله می‌گیرد، تشنه‌تر و مشتاق‌تر است که به آن، وصل شود و با آن ذوب گردد. (نجیب تلاوی و دیگران، ۱۹۹۶، ص ۲۵۷).

والروح روح صوفی، سلیب البدن

اقول یا نفس، راک الله عطشی حین بل غربتک

جائعه فتوتک

تائه مدمن خیط نحه یضی لک
یا جسمها الایض قل: أ أنت صوت
فقد تحاورنا كثيراً فی المساء
یا جسمها الایض قل: أ أنت صوت
فقد تحاورنا كثيراً فی المساء

یا جسمها الایض قل: أ أنت خضره منوره؟(عبدالصبور، ۱۹۶۸، ج ۱، ص ۲۱۴).

۴- رنگ سفید در اشعار صلاح عبدالصبور که در ذیل خواهد آمد، نمایانگر شکست و درماندگی است علی رغم و نشان دهنده شکست خوردگی انسان معاصر در مقابل مرگ به وسیله جنگها و امراض است. علی رغم این که از نظر علمی و تکنولوژی، پیشرفت کرده است، اما مرگ هم چنان، پیروز است و شاعر در مقابل آن تسلیم است (محمد منصور، بی تا، ص ۱۳۹).

و فی المدافن التی تنام فی الحقول غیبوه
لم یبق من هذا الوسیم غیر بجفنیه تراب
تراب مصر

تعودکی تنام فی حطن التراب
تنام فی سلام

کان فی وجه السماء سحابه من الشفق
حمراء مثل الدم

و کان فی الطرف المدا نواره الحقول

بیضاء مثل قلبنا، و قلبه، میتین آخرین (عبدالصبور، ۱۹۶۸، ج ۱، ص ۱۹۶).

۴-۶- رنگ گندمگون:

رنگی که بین (قرمز و سیاهی) واقع شده است، اما بیشتر به سیاهی متمایل است. رمزی برای مرگ، مرده و غم و اندوه است و به معنی خاک نیز به کار رفته است (احمد خلیل، بی‌تا، ص ۱۹).

صلاح عبدالصبور از رنگ گندمگون برای تعبیر اندیشه‌ها و احساسات خود، بهره جسته است و رنگ گندمگون در قصیده (العائد) نماد غم و اندوه و از بین رفتن عشق است و درخشش و برگشت عشق این غم و اندوه را از بین خواهد برد.

طفلنا الاول قد عاد الینا

بعد أن تاه عن الیبت سینا

.....

و تهدجنا علی مبسمه المزموم انفساً ندیات

..... طلا

و استدرنا حوله

شفقاً استمر من حول هلال ناسم فی قلبنا (عبدالصبور، ۱۹۶۸، ج ۱، صص ۱۳۴ و ۱۳۳).

۲- رنگ کندمگوی رمز خاک و نیز وطن است.

کان زهران عناما

امه سمراء، والأب مولد (همان، ص ۱۸).

۴-۷- رنگ خاکستری

رنگ خاکستری در مجموع، نشانه سوگواری، افسردگی، شرم، طلب، مغفرت، نجابت و محبت است؛ اما در میان عبریان، مظهر خود و در میان مسیحیان، مرگ جسم و بی‌مرگی روح را می‌رساند؛ از این رو در اجتماعات مذهبی، لباس‌ها به این رنگ بود (کوپر، ۱۳۷۹، ۱۷۰).

همچنین این رنگ « بیشتر برای نشان دادن جنبه‌های غیرطبیعی و غیرقابل فهم زندگی، استفاده می‌شود» (توکلی، ۱۳۷۸، ۸۸).

روانشناسان معتقدند، گرایش به این رنگ و استفاده از آن در لباس‌ها و یا وسایل نشان دهنده این است که شخص، زیر فشارهای خارج، له شده و محتاج آرامش است و مداومت برای این رنگ، نشان‌دهنده افسردگی و حتی شکست عصبی است. خاکستری تیره، بیشتر نشانگر فقر و مشقت و خاکستری متعادل، تواضع را نشان می‌دهد و گاهی هم نشانگر نبود عزت نفس است (دی و تیلو، ۱۳۸۷، ۹۹).

صلاح عبدالصبور در قصیده (انتظار الیل و النهار) این رنگ را به کار برده است.

فی آخر الیوم تدب فی عروق الشمس فتره الهلال

و یولد اللون الرمادی دقیق

حتى ضجیح الطرقات

ینحل ایقاعاً رمادياً رقیفاً

نتیجه‌گیری

در این مقاله، سعی شده است که رنگ‌های نمادین که در اشعار صلاح عبدالصبور به کار گرفته شده، به طور دقیق، بررسی شود.

با بررسی رنگ‌ها در اشعار شاعر، درمی‌یابیم که سیاه، رنگ غالب در رنگ‌های نمادین اشعار وی است. مفاهیم نمادین این رنگ در اشعار وی عبارت‌اند از: عدم سادگی و بی‌آلایشی مردم شهر، نبود عشق‌های اصیل و همچنین، وجود فساد و هرج و مرج در قاهره، حمله رژیم صهیونیستی، وجود دشمنان داخلی و شک و تردید انسان، نسبت به دنیای مادی و نرسیدن به حقیقت از طریق این دنیای مادی و محسوس.

پس از سیاه، رنگ سفید و سبز در اشعار صلاح عبدالصبور، چشم‌گیر است. وی رنگ سفید و سبز را به معنای آزادی و خوشبختی، صفا و صمیمیت و بی‌ریایی به کار برده است و همچنین، رنگ سبز در اشعار او، رویش و تجدید حیات را نیز معنی

می‌دهد و شاعر از ویژگی مثبت دیگر رنگ سفید یعنی اتحاد با ذات و حقیقت نیز، بهره‌مند شده است.

در مرتبه‌ای پایین‌تر، رنگ سرخ در شعر وی، نماد شعور و هیجان زندگی و همچنین، خشم انسان به خاطر ظلم و ستیزهای جامعه است.

منابع و مأخذ

- احمدی، بابک، ساختار تأویل متن، انتشارات مرکز، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۲
- احمد خلیل، خلیل، معجم الرموز، دارالفکر البنانی، لبنان، بی تا
- اسوار، موسی، از سرود باران تا مزامیر گل سرخ، انتشارات سخن، چاپ اول؛ تهران، ۱۳۸۱
- ال احمد، م.، سورآلیسم، انتشارات نشانه، چاپ اول، تهران ۱۳۷۷
- ایتن، یوهانس، کتاب رنگ، ترجمه محمدحسین حلیمی، چاپ هشتم تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۴
- بایار، ژان پیر، رمزپرداز آتش، ترجمه جلال ستاری، انتشارات مرکز، چاپ اول، ۱۳۷۶
- توفیق بیضون، حیدر، صلاح عبدالصبور، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، بیروت، ۱۹۹۳
- توکلی، حمید، رنگ در تصویر سینمایی، کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، هنر، ۱۳۷۸
- پاک نژاد، سید رضا، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، چاپ اول، تهران، کتاب فروشی اسلامی، ۱۳۴۸
- پورحسینی، مزده، معنای رنگ، چاپ اول، تهران، انتشارات هنر آبی، ۱۳۸۴
- الحاوی، ایلیا، فی نقد والادب، ج ۵ دارالکتاب البنانی، چاپ دوم، بیروت، ۱۹۸۶
- رحمانی، احمد، نظریات نقدیت و تطبیقاتها، هیئة المصر للکتاب، ۲۰۰۷
- الزواهره، ظاهر محمد هزاع، اللون و دلالاته فی الشعر، ط ۱، الأردن، دارالحامد للنشر و التوزیع، ۲۰۰۸
- دی، جاناتان، تایلو، لسکی، روانشناسی رنگ، ترجمه مهدی گنجی، چاپ اول، تهران، نشر - ساوالان، ۱۳۸۷
- سیدحسینی، رضا، مکتب‌های ادبی، انتشارات نگاه، چاپ سوم، تهران، ۱۳۶۶
- شفیع کدکنی، محمد رضا، صور خیال در شعر فارسی، انتشارات نگاه و آگاه، تهران، ۱۳۷۰

- شوالیه، ژان و آلن. ژ. گریبان، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضائلی، انتشارات جیحون، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸
- صبوراردوبادی، احمد، آیین بهزیستی اسلام، چاپ دوم، تهران، دفتر نشر اسلامی، ۱۳۶۷
- طالو، محیی الدین، الرسم و اللون، لا ط، دمشق، مكتبة اطلس، لا تا
- فروم، اریک، زبان از یاد رفته، ترجمه ابراهیم امانت، انتشارات مروارید، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۶۶
- عبدالصبور، صلاح، دیوان (المجلد الاول)، انتشارات دارالعودة، بیروت، ۱۹۶۸
- _____ دیوان (المجلد الثالث)، _____
- غازی التذمری، محمد، وکمال یاسین الغزوی، النظرات فی الادب العربی الحدیث، دارالارشاد، مصر، بی تا
- العریض، ابراهیم، اشعر و الفنون الجمیلة، ط ۳، البحرین، مكتبة فخر اوی، ۱۹۹۶
- علی اکبر زاده، مهدی، رنگ و تربیت، چاپ دوم، تهران، انتشارات میثا، ۱۳۷۵
- کوپر، جی سی، فرهنگ مصور نمادهای سستی، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران، نشر فرهاد، ۱۳۷۹
- لوچر، ماکس، روان شناسی و رنگها، ترجمه منیره روانی پور، انتشارات آفرینش، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۹
- محمد منصور، ابراهیم، الشعر و التصوف، انتشارات امین للنشر و التوزیع، قاهره، بی تا
- نجیب تلاوی، محمد و دیگران، تطور الشعر الحدیث و المعاصر، دارالاوزاعی، چاپ اول، بیروت، ۱۹۹۶
- الیسوعی، روبرت ب، کامل، اعلام الادب العربی المعاصر، مرکز الدراسات، للعالم العربی المعاصر، چاپ اول، بیروت، ۱۹۹۶
- یونگ، کارل گوستاو با همکاری جوزف ال و دکتر یورالند یاکوبی، انسان و سمبول هایش، ترجمه محمود سلطانیه، انتشارات جامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷

مقاله‌ها

- قرانیا، محمد، ظاهره اللون فی القرآن الکریم، مجله التراث العربی، «اتحاد الكتاب العرب لدمشق»، شماره ۷۰، ۱۹۹۸

پایان نامه‌ها

- طیبیه سیفی، بررسی و تحلیل عنصر رنگ در اشعار سه شاعر نوپرداز «بدر شاکر سیاب، عبدالوهاب بیاتی، عبدالمعطی حجازی»، راهنما: ابوالحسن امین مقدسی، آبان

الالوان الرمزيه في اشعار صلاح عبدالصبور

محمد مهدي سمي^١، نرجس طهماسبي نگهداري^٢

الملخص

إنّ تنوع الالوان في العصر الحديث و وعى الشعراء المعاصرين بهذا التنوع ينشأ عن و بصيرتهم العميقه إزاء عناصر الوجود. و في الادب العربي القديم كانت الألوان تستخدم كما هي في الحياة الواقعية. أمّا في الادب العربي المعاصر لائستخدم الألوان لتمنح الشعر أو النثر صورة جمالية فحسب، بل تستخدم كأداة رمزية. إنّ هناك أسباباً رئيسية تؤدي الى استخدام الألوان الرمزية عند الشعراء المعاصرين، منها: هيمنة السياسة و المدينة. كما أنّ أفكار الشعراء و عقائدهم و ظروفهم المشؤومة تسبب توظيف رموز خاصّة. صلاح عبدالصبور هو من الشعراء المعاصرين الذين قاموا بتوظيف الألوان الرمزية على مستوى وسيع. هذه المقالة تحاول أن تقوم بدراسة الألوان و دلالاتها الرمزية في ديوان صلاح عبدالصبور. بمهنتج و صيفي تحليلي. تشير نتائج هذا البحث الى أنّ الشاعر استخدم اللون الاسود و الأحمر و الاخضر و الفيروزجي و الابيض و الاسمر، و الرمادي، إلّا أنّ اللون الأسود هو اللون السائد على سائر الألوان الرمزية لدى الشاعر و هو يدلّ على عدم بساطة أهل المدينة و عدم صفاء هم، كما يشير الى وجود الأعداء داخل و خارج البلد، و ايضاً الى هجوم الكيان الصهيوني.

الكلمات الرئيسية: الشعر العربي المعاصر، الالوان الرمزيه، صلاح عبدالصبور.

١ . الأستاذ المساعد بقسم اللغة العربية و آدابها في جامعة يزد

٢ . الماجستير في اللغة العربية و آدابها بجامعة يزد

